



نهمین کنفرانس بین‌المللی و ملی مطالعات مدیریت، حسابداری و حقوق

۲۹ و ۳۰ آذر ۱۴۰۲ | دانشگاه تهران

وراثت، عامل موثر بر ارتکاب بزه، از منظر اسلام و جرم‌شناسی

حسینی پاسندی، سید صدرالدین

کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران

Hoseinisadroddin@gmail.com

ارجمندیان، سیده بهاره

دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران

Bahararjmand72@gmail.com

چکیده

از اهم علوم مرتبط با حقوق کیفری، جرم‌شناسی است. شاید بتوان بهترین تعریف را برای جرم‌شناسی، مطالعه‌ی تجربی جرم بیان نمود. به عبارتی جرم‌شناسی نه یک امر انتزاعی صرف، بلکه یک امر انضمامی است، که ایجاب می‌کند جرم به واسطه‌ی تجربیات صورت گرفته و مطالعات میدانی، تجزیه و تحلیل شود. جرم‌شناسان همواره به دنبال عوامل موثر بر ارتکاب جرم بوده‌اند و هریک نقطه‌ی آغازینی را برای این امر بیان نمودند. برخی جرم‌شناسان مطالعه را از این پرسش که چرا افراد مرتکب جرم می‌شوند و برخی دیگر در مقابل از این پرسش که چرا افراد مرتکب جرم نمی‌شوند آغاز نمودند. عوامل متعددی از منظر جرم‌شناسی، مورد تحلیل قرار گرفته از جمله عوامل ژنتیکی و بیولوژیکی که موثر در ارتکاب بزه بیان شده است. به عبارت دیگر وراثت نقش مهمی در ارتکاب بزه توسط افراد دارد. قرآن کریم نیز در برخی آیات به آن اشاره نموده و تطبیق و تحلیل منابع دینی در کنار منابع جرم‌شناسی در خصوص این عوامل مهم به نظر می‌رسد. در خصوص عامل وراثت نقاط مشترک بسیاری میان اسلام و جرم‌شناسی وجود دارد، که در این پژوهش کوشش شده است تا با مطالعه‌ی منابع کتابخانه‌ای بصورت توصیفی-تحلیلی، تطبیق و تبیین صحیح میان منابع دینی و جرم‌شناسی در خصوص موضوع این پژوهش صورت پذیرد. واژگان کلیدی: جرم‌شناسی، قرآن کریم، وراثت، جرم، حقوق کیفری

۱- مقدمه

جرم یا همان گناه از منظر آموزه‌های دینی، همواره از زمان خلقت بشر وجود داشته و جامعه را درگیر خود کرده است. دین اسلام گناه یا همان جرم را خروج از اموامر و نواهی خویش می‌داند و از سوی دیگر جرم‌انگاری نیز از باید‌ها و نباید‌های اجتماعی نشأت می‌گیرد. در حال حاضر جرایم گوناگونی گریبان‌گیر جامعه و افراد می‌باشد و جرم‌شناسان عواملی را موثر در ارتکاب آن‌ها می‌دانند. از جمله: عوامل روانی، خانوادگی، زیست‌محیطی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، ژنتیکی و غیره که به نظر می‌رسد نمی‌توان با توجه به تجربیات و نظرات مطروحه، تنها یک عامل صرف را مد نظر و موثر دانست. بدیهی است با توجه به خصوصیات و قابلیت متفاوت افراد بتوان عوامل موثری را در خصوص گروه‌های مختلفی از بزه‌کاران در جهت ارتکاب بزه طبقه‌بندی نمود. به عبارت صحیح‌تر باید بیان داشت، عاملی می‌تواند در فرد یا افرادی موثر در وقوع جرم لکن در دیگری بی‌تأثیر باشد، فلذا نمی‌توان یک عامل را منشأ بروز و ظهور جرم تلقی نمود. در خصوص موضوع این پژوهش، به عامل وراثت، هم در قرآن کریم و هم در روایات مختلف اشاره‌ی مستقیم شده است. از سوی دیگر جرم‌شناسی نوین نیز با تکیه بر مطالعات تجربی و نظرات مبتنی بر تجزیه و تحلیل، عامل وراثت را موثر در وقوع جرم می‌داند. از منظر آموزه‌های دینی، عوامل زیست‌شناسی بر ارتکاب گناه یا جرم موثر و وراثت مهم‌ترین عامل آن است، که جرم‌شناسی در برخی موارد مهم با آن‌ها همسویی

دارد. از زیر شاخه های اساسی تحلیلی عامل وراثت، می توان به چند گزاره ی ژنتیک، نژاد، چهره، جنسیت و امثالهم اشاره نمود، که پرسش هایی اساسی را در این میان به ذهن متبادر می سازد. از جمله مهم ترین آن ها اینکه، با توجه به منابع دینی و ایضاً جرم شناسی نوین، آیا اصولاً جرم می تواند موثر بر کدورت و زشتی در چهره شود؟ یا بالعکس کدورت یا نقصی در چهره و جسم فرد می تواند حداقل بالقوه موثر در ارتکاب بزه توسط افراد باشد؟ یا اینکه این دو امر لازم و ملزوم یکدیگرند؟ از سوی دیگر آیا خوی مجرمانه قابلیت انتقال به نسل بعدی را دارد؟ آیا نژاد افراد، بالقوه موثر در ارتکاب جرم است؟ آیا بزه ارتكابی حاصل و نتیجه ی ذات و وراثت است یا امری اکتسابی است؟ به هر تقدیر، مطالعه ی نظرات علمای جرم شناسی و فقها در خصوص میزان تأثیر پذیری افراد از وراثت شایان توجه است. در نهایت، همه ی این پرسش ها و دغدغه مندی نگارندگان این پژوهش در جهت پاسخ های شایسته به آن ها در حد بضاعت، شاید بتواند در کنار تجزیه و تحلیل صحیح و تبیین موضوع این پژوهش، راه را برای پژوهش های بهتر در آینده هموار سازد.

۲- معانی و مفاهیم

طبیعتاً لازمه ی هر نوع تحقیق و مطالعه ای، درک صحیح معانی و مفاهیم اصطلاحی و ماهیت آن موضوع است، که ضرورت آن فحوص و جستجو میان منابع معتبر می باشد. بطور مشخص وراثت و آنچه که در ذیل آن نیاز به بررسی و تبیین دارد نیز از این قاعده مستثنی نیست. معانی و مفاهیمی نیازمند تشریح است، همچون وراثت، چهره، نژاد و امثالهم که به آن پرداخته شده. از سوی دیگر معنا و مفهوم جرم و گناه و آنچه که به عنوان لغات مترادف و یا حداقل قریب به معنای آن ها وجود دارد، از منظر اسلام و جرم شناسی نیز نیازمند بررسی است.

۲-۱- جرم (گناه)

جرم، از ریشه ی عربی (ج ر م)، به معانی قطع کردن، چیدن میوه از درخت، حمل کردن، کسب کردن، ارتکاب گناه و وادار کردن به کاری ناپسند به کار رفته است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق؛ فراهیدی، ۱۴۱۰ق). به لحاظ اصطلاحی نیز جرم رفتاری است که در جامعه ای معین و در زمان خاصی به لحاظ ملاحظات سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، فرهنگی و گاه بین المللی توسط قانون گذار واجد وصف مجرمانه و کیفری می شود (نجفی ابرند آبادی، ۱۳۸۲). در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نیز جرم اینگونه تعریف شده است: «هر رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل که در قانون برای آن مجازات تعیین شده است جرم محسوب می شود.» گناه نیز همان معنای جرم را در آموزه های دینی داراست. از این رو برخی بیان می دارند، به گناه از آن جهت جرم می گویند که عمل واجب الوصل را قطع می کند (قرشی، ۱۳۷۷). به عبارتی انجام محرمات و ترک واجبات دارای عقوبت و مجازات دنیوی و اخروی است. پس از تشریح معانی لغوی و اصطلاحی جرم و گناه می توان در خصوص ماهیت جرم از منظر جرم شناسی بیان داشت، مفهوم جرم از نظر دفاع اجتماعی از طریق کیفر، اصلاح و درمان بزهکاران است. به عبارتی مفهوم جرم در جرم شناسی فارغ از بررسی حقوقی مربوط به شرایط قانونی پدیده مجرمانه بوده و بیشتر اوضاع و احوال فردی و اجتماعی قبل از ارتکاب جرم و عامل یا عوامل واقعی ارتکاب جرم را مورد توجه قرار می دهد (گلدوزیان، ۱۳۸۸). همچنین در مکتب عدالت مطلق موضوع کیفر اعاده نظم اخلاقی است که بر اثر جرم (گناه) مختل شده است. در واقع بر اساس این نظریه هر گونه نقض قوانین اخلاقی قابلیت مجازات دارد (اردبیلی، ۱۳۸۶). از سوی دیگر مفهوم جرم و گناه از منظر اسلام نافرمانی از خداوند و سرپیچی از اوست و گناهکار مستحق مجازات می باشد (رشادتی، ۱۳۸۷). مجرم و جرم و گناه از مفاهیمی است که در قرآن کریم به انحاء گوناگون بیان گشته است از جمله در سوره های مبارکه ی قمر، جاثیه، انعام، یونس، توبه، قلم، الرحمن، اعراف و غیره. به طور کلی، چون جهنم عاقبتی است که برای مجرم ترسیم شده است، بنابراین ارتکاب جرم با هر هدف و شیوه ای نتیجه ای جز خروج از خط هدایت و اصلاح برای انسان مرتکب نداشته و از موجبات گمراهی فرد محسوب می شود. فلذا به



نهمین کنفرانس بین‌المللی و ملی مطالعات مدیریت، حسابداری و حقوق

۲۹ و ۳۰ آذر ۱۴۰۲ | دانشگاه تهران

اعتقاد برخی جرم آن عمل یا ترک عملی است که انسان را از «صراط مستقیم» که خداوند متعال در آیات مختلف آن را ترسیم نموده خارج و او را مستحق دوزخ میکند (رشادتی، ۱۳۸۷). لازم به ذکر است مفهوم گناه و جرم ارتباط بسیار نزدیکی در قرآن کریم با یکدیگر دارند و واژه‌هایی مترادف نیز در قرآن کریم قریب به معنای گناه و جرم بیان گشته است، از جمله: (ذنب، معصیت، اثم، سیئه، جرم، حرام، خطیئه، فسق، فساد، فجور، منکر، فاحشه، خبث، شر، لمم، وزر، ثقل، حنث). این واژه‌های هجده گانه هر کدام بیانگر بخشی از آثار شوم گناه و حاکی از گوناگونی آن می‌باشند و هر یک با پیام مخصوص و هشدار ویژه ای انسان‌ها را از ارتکاب گناه برحذر می‌دارند (قراحتی، ۱۳۸۳). با تعاریفی که پیش از این بیان شد می‌توان چنین جمع بندی نمود که اصولاً جرم و گناه، مخالفت با اوامر و نواهی کتاب و سنت و ارتکاب عملی است، که به تباهی فرد یا جامعه ختم شود و شارع مقدس به کیفر آن تصریح نموده باشد. به عبارت صحیح تر جرم در اسلام مترادف با گناه و معصیت است و مسائلی را در بر میگیرد که مفسد شخصی و اجتماعی را به همراه داشته و تجاوز به مصلحت و ارزش‌های اسلامی است و این ارزش‌ها همان حفظ دین و کیان اسلامی، حفظ نفوس، اموال، نوامیس و عقل است (الطافی، ۱۳۷۲). در نتیجه باید بیان داشت، اسلام در خصوص مفهوم جرم (گناه)، قرابت زیادی با جرم‌شناسی نوین از جنبه‌های حفظ حقوق فردی و اجتماعی دارد.

۲-۲- وراثت (ژنتیک)

اصولاً در کتب فقهی-حقوقی وراثت و ارث و میراث بیشتر به عنوان سهم الارث و امور مالی مطرح می‌باشد که از موضوع بحث این پژوهش خارج است، لکن با توجه به موضوع این پژوهش، برخی علما وراثت را انتقال یافتن صفات و خصوصیات از یک نسل از موجود زنده به نسل دیگر می‌دانند، خواه این صفات و خصوصیات مختص آن نسل باشد و خواه مشترک میان تمام افراد آن نوع یا بخشی از آن‌ها باشد (عبدالعزیز، ۱۹۷۶م). همچنین در منابع دینی از جمله قرآن و روایات به امر ژنتیک اشارات مستقیمی گشته است مانند سوره مبارکه النجم. از سوی دیگر طبق تعاریف علوم نوین باید بیان داشت، علمی که به مطالعه پیرامون وراثت و طریقه‌ی انتقال خصوصیات از والدین به فرزندان می‌پردازد، ژنتیک نام دارد. از منظر جرم‌شناسی نیز باید بیان داشت، سزار لومبروزو از بنیان اصلی جرم‌شناسی عقیده داشت، بزهکاری معلول خصوصیات و ویژگی‌های جسمی است. عده‌ای از جرم‌شناسان نیز روان‌پزشکی را سنگ بنای جرم‌شناسی علمی دانسته‌اند (کی‌نیا، ۱۳۸۵). همچنین لومبروزو به عنوان بانی انسان‌شناسی جنایی در خصوص وراثت معتقد است، تأثیر شرایط جسمی و روانی به ارث رسیده از اجداد، افراد را به سمت ارتکاب بزه سوق می‌دهد، زیرا گرایش‌های مجرمانه نسل اندر نسل قابل انتقال است (دانش، ۱۳۸۴). افزون بر این، لومبروزو و فری معتقد بودند که بزهکاران مادرزاد یا جانبان بالفطره به هیچ وجه اصلاح پذیر نبوده و مجازات‌ها کوچک‌ترین اثری بر شخصیت آنان ندارد، به همین جهت لومبروزو پیشنهاد می‌دهد که آن‌ها را از میان انسان‌ها و جوامع دور نموده و در محلی خارج از اجتماع نگهداری شوند (نجفی توانا، ۱۳۷۷). امروزه فارغ از نظر مطروحه پیرامون درمان نشدن ژن مجرمانه که خلاف آن با علوم نوین قابل اثبات است، باید بیان داشت، انتقال ژن از طریق عامل وراثت قابل اثبات است. در نهایت می‌توان بیان نمود، ماهیت ژنتیکی هر شخص، به صورت بالقوه قابل انتقال به فرزندان و نسل بعد از خودش می‌باشد.

۲-۳- سیما (چهره)

سیما از ریشه (س و م) به معنی در معرض قرار دادن و آشکار کردن آن چه در باطن است می‌باشد و به علامت‌ها و نشان‌ها و حالاتی که در چهره انسان بوده و نشان‌دهنده صفات باطنی و روحی است اطلاق می‌شود (رشادتی، ۱۳۸۷). در کتب تاریخی نیز ارتباط میان سیرت و صورت و قضاوت درباره افراد بر اساس ویژگی‌های ظاهری شان به خوبی دیده می‌شود. در کتاب ایلیاد (ترجمه‌ی پاپ)، هومر، ترسیتز شیریر را این‌گونه معرفی می‌نماید: «یکی از چشمانش برق میزد و یک پایش چلاق بود؛ شانه‌های چون کوهش تا وسط سینه‌اش کشیده شده بود؛ موهای کم‌پشت، سر دراز از شکل افتاده‌اش را می‌پوشانید».



نهمین کنفرانس بین‌المللی و ملی مطالعات مدیریت، حسابداری و حقوق

۲۹ و ۳۰ آذر ۱۴۰۲ | دانشگاه تهران

پوشاند» (شجاعی، ۱۳۸۸). باور به نمایان شدن سیرت در صورت از یک سو و دقت در صورت زشت برخی مجرمان از سوی دیگر، منجر به شکل‌گیری نظریه‌ای شد، که در آن معتقد به وجود رابطه بین ویژگی‌های ظاهری، به خصوص صورت و ارتکاب جرم بود. بدین ترتیب قیافه‌شناسی انسانی پا به عرصه‌ی ظهور نهاد. کرد. نکته قابل توجه این که برخی پژوهش‌های سیماشناسی، امروزه بیانگر این مطلب است که بعضی از نا‌هنجاری‌های سیما و انسان بطور کلی می‌تواند علامت بالینی بیماری‌های (مننگو - انسفالیتیک) باشد، که نه تنها در شخصیت عقلی شخص مورد آزمون، انعکاس دارد، بلکه در عاطفه و شخصیت اخلاقی او نیز اثراتی سوء می‌گذارد، تا جایی که در رفتار منعکس می‌شود (کی‌نیا، ۱۳۸۵). از منظر آموزه‌های دینی نیز باید بیان داشت، برخی علما با توجه به آیه ۱۴ سوره‌ی مبارکه‌ی مطففین که خداوند متعال می‌فرماید: (این حرف‌ها بهانه است، علت اصلی تکذیبشان این است که در اثر اعمال زشتشان دل‌هایشان زنگار بسته) سه نکته بیان می‌دارند: اول این که اعمال زشت نقش و صورتی به نفس می‌دهد و نفس آدمی را به آن صورت در می‌آورد. دوم این که این نقوش و صورت‌ها مانع از آن است که نفس آدمی حق و حقیقت را درک کند و میان آن و درک حق، حائل می‌شود. سوم این که نفس آدمی به حسب طبع اولیه خود صفا و جلایی دارد که با داشتن آن حق را آن‌طور که هست درک می‌کند و نیز خیر را از شر، تمیز می‌دهد (موسوی همدانی، ۱۳۷۴). در نهایت می‌توان با توجه به ماهیت مطالب پیش‌گفته شده بیان نمود، هم جرم می‌تواند موثر در سیما و چهره باشد و هم بالعکس نقصان در بدن بخصوص در چهره می‌تواند موجب بروز و ارتکاب جرایم شود که امری قابل تأمل به نظر می‌رسد.

۴

۳- وراثت و ارتکاب جرم از منظر اسلام

مسئله‌ی وراثت و انتقال صفات از پدر و مادر به فرزند، در آیات متعددی از قرآن کریم و همچنین منابع روایی صریح یا ضمنی مطرح شده است. قرآن کریم در سوره انسان می‌فرماید انسان از نطفه‌ی مرکب و مخلوط آفریده شده است. مفسران در توجیه (ترکیب)، دو احتمال داده‌اند احتمال اول این که مقصود ترکیب نطفه‌ی جنین از نطفه پدر و مادر باشد. احتمال دوم این که منظور ترکیب از اجزای مختلف باشد که آثار گوناگون دارند. با توجه به ظاهر آیه که اطلاق دارد، به نظر می‌رسد هر گونه ترکیبی را شامل می‌شود (امینی، ۱۳۸۱). افزون بر این، همانطور که پیش از این بیان گشت، وراثت طبیعتاً بر جسم و رفتار انسان‌ها موثر می‌باشد. هم نتیجه تحقیقات علمی، هم آموزه‌های دینی و هم مشاهدات تجربی نیز موید این امر است. برخی خصوصیات ظاهری است، مانند: رنگ مو و چشم، استخوان‌ها، بلندی یا کوتاهی قد، رنگ پوست، جزئیات صورت و امثالهم و برخی خصوصیات و صفات مربوط به خلق آن‌هاست، مانند: شجاعت، خوش رفتاری، ترس، صداقت و امثالهم که موروثی است. بنا براین یکی از راه‌حل‌های پیش‌سازمان جرم‌شناسان برای حفظ جامعه از گزند جنایت‌کاران بالفطره، جلوگیری از انتقال ژنهای شوم، از طریق (اوژنیسم) و (به‌سازی نژادی) بود. هر چند که امروزه، جهت تحقیقات به این سمت است که کروموزوم جنایت وجود ندارد، ولی به نظر می‌رسد موضوع (اوژنیسم) یا (به‌سازی نژادی)، همان فرایند علمی دستورات دینی در انتخاب همسر است، که به نوعی تأثیر وراثت را بر نسل‌های بعدی اثبات می‌نماید (مطهری بیدگلی، ۱۳۸۸). همچنین در آثار روایی نیز امر ژنتیک و وراثت وجود دارد. واژه‌ی (عرق) در زبان عرب به معنای ژن می‌باشد، از این رو روایتی از رسول اکرم صلوات الله علیه وجود دارد مبنی بر این که: «از انصار حضور پیامبر اکرم (ص) آمد و عرض کرد یا رسول الله، این زن، دختر عموی فرزند فلان کس پسر فلانی و این دختر فلان کس می‌باشد. سپس اضافه کرد که نه من و نه همسر من هیچ‌یک از نژاد حبشی نبوده ولی این زن برای من فرزندی آورده است که شباهت زیاد به حبشیان دارد. حضرت پس از کمی تفکر فرمودند تو دارای ۹۹ عرق هستی و زنت نیز این چنین است. وقتی نطفه‌ها در هم آمیزد، عرق‌ها به جنبش درآمده و از خداوند تکوین بچه را با شباهت به ایشان طلب کنند. این فرزند تو می‌باشد و این تغییر شکل یا از عرق تو، یا از همسر تو ناشی شده است (محدث نوری، ۱۴۰۸ق، شامبیاتی، ۱۳۸۳). همچنین تا جایی امر وراثت از منظر اسلام حائز اهمیت است که شارع مقدس در قرآن

کریم در این باره آیه ی ۱۳ از سوره ی مبارکه ی قلم را نازل فرمودند، که در این سوره، به بیان صفات رذیله برخی از دشمنان دین که خداوند متعال پیامبر را از اطاعت آن‌ها و مدهانه و مماشات با آن‌ها نهی فرموده اختصاص دارد (شهیدی، ۱۳۷۸). در این آیه خداوند به دو صفت رذیله (خشن) و (بی‌اصل و نصب بودن) اشاره می‌کند: «مُتَلِّبٌ بَعْدَ ذَٰلِكَ زَنِيمٌ»؛ «کسی که علاوه بر همه آن عیب‌ها، بد دهن و خشن است و مردم‌پدري برایش نمی‌شناهند». زنیم در این آیه، کسی است که اصل و نسب روشنی ندارد و او را به قومی نسبت می‌دهند، در حالی که از آن‌ها نیست و تعبیر به بعد ذلک اشاره به این معنا است که این دو صفت از صفات سابق نکوهیده تر است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴). به اعتقاد برخی فقها، در امر حق نمی‌توان از او اطاعت کرد و بر فرض هم که از آن خبائث صرف نظر شود، وی فردی تندخو و خشن و بی‌اصل و نسب است که می‌بایست از هر جامعه ای طرد شود و به سخن او نه گوش دهند و نه در عمل پیرویش کنند و جوامع بشری نیز نباید به مثل او اعتنا کنند (موسوی همدانی، ۱۳۷۴). همچنین برخی دیگر معتقدند، در این آیات، خداوند پس از ذکر مجموعه ای از صفات رذیله پیامبر را از اطاعت کسی که متصف به این صفات است، نهی میکند و فرزند حاصل از روابط نامشروع، یکی از این افراد معرفی شده است (کاشانی، ۱۳۳۶). از سوی دیگر در آثار روایی نیز به امر وراثت و انتقال ژن اشارات مستقیم و غیر مستقیمی شده است. در روایات متعدد شباهت به پدر به لحاظ خَلْق و خُلُق و سیمای ظاهری، از نشانه‌های سعادت انسان شمرده شده و بعضاً شباهت، علامت حلال زادگی است. چنانکه امام صادق (ع) می‌فرمایند: مِنْ سَعَادَةِ الرَّجُلِ أَنْ يَكُونَ لَهُ الْوَلَدُ يَعْرِفُ فِيهِ شِبْهَهُ وَ خُلُقَهُ وَ خَلْقَهُ وَ شَمَائِلَهُ» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق). در رابطه با شباهت فرزندان به والدین مثال‌های متعدد تاریخی ای نقل شده است. به عنوان مثال منقول است: اخلاق، شیوه راه رفتن، لحن و سخن گفتن حضرت فاطمه سلام الله علیها بسیار شبیه پدرشان پیامبر اکرم صلوات الله علیه بود (مغنیه، ۱۴۱۵ق). یا این که، زمانی که حضرت زینب سلام الله علیها بعد از واقعه عاشورا در بازار کوفه سخن می‌گفت، در نظر مردم، گویا حضرت علی علیه السلام سخن می‌فرمود (ارگانی بهبهانی حائری، ۱۳۸۲). همچنین درباره ی امام حسین علیه السلام نیز نقل شده که ایشان شبیه ترین مردم به فاطمه زهرا سلام الله علیها بودند (شریف لاهیجی، ۱۳۷۳). از سوی دیگر نبی اکرم صلوات الله علیه در واکنش به دیدگاه شخصی که معتقد بود فرزند یا شباهت به پدر دارد یا به مادر، فرمودند: «اینچنین مگو، زیرا آنگاه که نطفه در رحم مادر قرار می‌گیرد خداوند آن نطفه را با هر که میان آن تا آدم علیه السلام مناسبتی باشد، جمع می‌کند و نطفه را بصورت هر کدام که بخواهد می‌آفریند؛ آیا این آیه را سپس نخوانده ای «فِي أَى صُورَةٍ مَا شَاءَ رَكَّبَكَ» (طبرسی، ۱۳۷۲). در مقام تفسیر آیه ۸ سوره انفطار: «فِي أَى صُورَةٍ مَا شَاءَ رَكَّبَكَ»، عالمی چنین به روایتی از امام حسن علیه السلام اشاره می‌کند، که ایشان می‌فرمایند خداوند علی علیه السلام را در ظُهر ابوطالب به صورت محمد مصطفی صلوات الله علیه تصویرگری نمود، از این روست که ایشان خَلْقاً و خُلُقاً، شبیه ترین مردم به رسول خدا (شریف لاهیجی، ۱۳۷۳). تأثیرات مستقیم و غیر مستقیم وراثتی و ژنتیکی از منظر دین مبین اسلام به لحاظ کمیته و کیفیتی آنچنان گسترده است که برای پرهیز از اطاله ی کلام به همین میزان بسنده شده است. در نهایت با تکیه بر نظر نگارندگان این پژوهش باید بیان داشت، هرچند که عامل وراثت امری موثر در نسل‌های بعدی است، لکن با توجه به قاعده فقهی (مَا مِنْ عَامٍ إِلَّا وَ قَدْ خُصَّ) باید استثنائات را نیز مد نظر قرار داد. به عبارت دیگر، گاهی خلاف اصل را می‌شود اثبات نمود، فلذا امکان وجود فرزندی بدون تأثیر پذیری ژنتیکی مشهود نیز وجود دارد.

۴- وراثت و ارتکاب جرم از منظر جرم‌شناسی

پس از بررسی وراثت از منظر دین مبین اسلام، حال باید از منظر جرم‌شناسی عرفی به آن پرداخت. همانطور که پیش از این نیز بیان شد، لومبروزو بانی انسان‌شناسی جنایی تأثیر ارث را مورد تأکید قرار داده و معتقد بود که شرایط جسمی و روانی که ناشی از تأثیر ارثی آباء و اجداد است افراد را به طرف ارتکاب به جرم می‌کشاند زیرا گرایش‌های مجرمانه نسل اندر نسل قابل انتقال است (دانش، ۱۳۸۴). فری شاگرد لومبروزو نیز با تأکید بر اصل وراثت معتقد است، تبه‌کار مادرزادی اصولاً ناهنجار و بدکار

بدنیا آمده است و همانطور سگ شناگر بدنیا آمده بزهار مادرزاد نیز برای ارتکاب جرم متولد شده است. فری این نوع بزهارکی را نتیجه اجتناب ناپذیر یک رشته اثرات وراثتی دانسته و فرد بزهار را به زعم او بیشتر مرتکب جرم می شود از نظر اخلاقی و روانی و جسمانی بیمار می داند (نجفی توانا، ۱۳۷۷). از سوی دیگر می توان به نظرات فلاسفه ی شاخص قدیم پرداخت. فیلسوفان یونانی هر یک کوشیدند به تعریفی از جرم دست یابند. بقراط پزشک یونانی معتقد بود که خطا ناشی از دیوانگی است. افلاطون نیز فعل مجرمانه را بیماری روان و بزهار را بیمار می پنداشت. ارسطوی فیلسوف نیز روان را از جسم تفکیک میکرد اما معتقد به وحدت آن دو نیز بود، به اعتقاد وی عوامل ایجاد جرم عواطفی هستند که انگیزه های ارتکاب بزه می باشند (نوربها، ۱۳۸۰). در ادامه علوم جدیدی همراه با نظریات جدیدی مطرح گردید. شخصی به نام (دلپورته) در کتاب خود به نام (قیافه شناسی) با مطالعه قسمت های مختلف چهره و خصیصه های گوناگون فردی، اقدام به ترسیم چهره شریان کرد (علومی، ۱۳۴۵). به اعتقاد برخی، از مهم ترین روش هایی که طرفداران ارثی بودن بزهارکی به آن تمسک جسته و نتایج حاصله از تحقیقات خود را به عنوان دلیل معرفی می نمایند. روش شجره نامه ای است که عبارت است از تشکیل مجدد شجره نامه یک خانواده و محاسبه تعداد موارد بزهارکی و انواع جرایمی که از نسلی به نسل دیگر به وجود آمده است. به بیان دیگر در این روش، تاریخ های خانوادگی مجرمان مورد بررسی قرار گرفته و وراثت جزایی تا برخی نیاکان، نشانه گذاری می شود (کی نیا، ۱۳۸۵). خود این امر نشان از اهمیت و گستردگی مسئله ی وراثت در بر ارتکاب بزه دارد. در ادامه ی این روند، پژوهش هایی تحت عنوان تیپ شناسی زیستی، درون مطالعات جرم شناسی نیز شکل گرفت. به این روش که، در صورت ترکیب گونه جسمانی با خلق و خو، گرایش آدمی به بزهارکی شکل می گیرد (افتخاری، ۱۳۸۸). البته در مقام بیان این گونه ها مثال هایی را همچون: عدم تقارن اعضای چهره، فک بسیار بزرگ، استخوان گونه های برجسته، گوش های بسیار بزرگ و وضعیت غیر عادی دندان ها و امثالهم مختص مجرمین بالفطره می دانند (افتخاری، همان). برخی دیگر از جرم شناسان با تکیه بر آمار و ارقام حاصل از پژوهش ها، نقش نژاد که طبیعتاً وابستگی به وراثت دارد را، از دیگر مستندات عاملیت موثر وراثت بر ارتکاب جرم بیان می دارند. آنان معتقدند، تعداد محکومین سیاه پوست، سرخ پوست و چینی ها، تا شش برابر سفیدپوستان و تعداد فیلیپینی ها، دو برابر و ژاپنی ها در حدود نصف تعداد سفیدپوستان است (دانش، ۱۳۸۴). همچنین از نظر کیفی، مشخصات جنایی سیاه پوستان آمریکایی، عمدتاً اعمال تهاجمی و پرخاشگری، سرقت های به عنف و هتک ناموس است و جرایم یهودیان نیز توأم با نیرنگ و مکر و فریب (اختلاس ها، کلاهبرداریها، جعل، دشنام و هتاک) همراه است و لازم به ذکر است، امروزه مسئله نژاد و بزهارکی تحت عنوان (اقوام و بزهارکی) بررسی می شود (کی نیا، ۱۳۸۵). با جمع بندی مطالب پیش گفته شده باید بیان داشت، اولاً مقوله وراثت و انتقال ژن از نسلی به نسل دیگر و تأثیر آن بر بزهارکی، به لحاظ کمیتی و ماهیتی چنان گسترده است که پژوهش هایی دقیق تر را می طلبد که نگارندگان این پژوهش برای پرهیز از اطاله کلام از شرح بیشتر آن خود داری نمودند. ثانیاً می توان بیان داشت، افزون بر دین مبین اسلام که قرن ها پیش با تکیه بر ذات اقدس الهی امر وراثت را موثر بر نسل های بعدی و در نتیجه جرم می داند، جرم شناسی عرفی و نوین نیز به این امر اشارات مستقیم دارد و به نظر می رسد، در موضوع این پژوهش بین دین مبین اسلام و جرم شناسی نوین اشتراکات بیش از افتراقات است.

۵- نتیجه گیری

در انتهای این پژوهش می توان به طور کلی چنین جمع بندی نمود، در عوامل متعدد موثر بر ارتکاب بزه، عامل وراثت تنها یک عامل موثر است و نمی توان وجود عوامل مهم دیگری مانند عوامل فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، تقنینی، خانوادگی و امثالهم را نادیده گرفت. همچنین باید توجه داشت، تکیه و تأکید بر تأثیر امر وراثت بر بزهارکی و مطالعه پیرامون آن دلیلی بر مطلق بودن نتایج حاصل از این پژوهش نیست. به عبارت صحیح تر مطابق قاعده فقهی (ما من عامٍ آلاً و قدْ حُص) هیچ اصل و عامی نیست که استثناء نداشته باشد و تأثیر وراثت بر بزهارکی نیز همیشگی و دائمی نیست. یعنی ممکن است شباهت رفتاری یا ظاهری



نهمین کنفرانس بین المللی و ملی مطالعات مدیریت، حسابداری و حقوق

۲۹ و ۳۰ آذر ۱۴۰۲ | دانشگاه تهران

استثنائاً به اجداد و پدر و مادر مربوط نباشد. از سوی دیگر تأثیر جرم بر سیما(چهره) و بالعکس، آنگونه که در این پژوهش مطرح شده قابل توجه است. در دین مبین اسلام با توجه به آیات و روایات نیز، عوامل متعددی در خصوص ارتکاب بزه نام برده شده است که می توان تحقیقاً بیان داشت، ژنتیک(وراثت) مهم ترین عاملی است که می تواند در ارتکاب جرم(گناه) بیش از سایر عوامل موثر باشد. هر چند که مطالب پیش گفته شده دارای موافقان و مخالفانی است، لکن به اعتقاد نگارندگان این پژوهش، با توجه به منابع دینی و جرم شناسی و ایضاً مشاهدات تجربی، وراثت نقش بسیار پر رنگی در ارتکاب بزه دارد، با این توضیح که البته قابلیت اصلاح بزهکار کاملاً وجود دارد. همچنین نقش وراثت افزون بر اینکه در منابع دینی و جرم شناسی نوین آمده است، در منابع فلسفی، تاریخی و ادبیات نیز منتشر و مشهود است.

منابع

- ابن منظور الافریقی المصری، ابوالفضل جمال الدین محمد بن مکرّم، ۱۴۱۴ ق، به تصحیح احمد فارس صاحب الجوائب، جلد دهم و دوازدهم، چاپ سوم، لبنان، دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع.
- اردبیلی، محمد علی، ۱۳۸۶، حقوق جزای عمومی، جلد اول، چاپ هفدهم، تهران، نشر میزان.
- ارگانی بهبهانی حائری، محمود، ۱۳۸۲، فرهنگ تربیت فرزند در اسلام، قم، انتشارات پیام مهدی (عج).
- الطافی، رمضان، ۱۳۷۲، جرم شناسی، چاپ اول، بی جا، نشر مولف.
- امینی، ابراهیم، ۱۳۸۱، اسلام و تعلیم و تربیت، جلد اول، چاپ پنجم، تهران، انتشارات انجمن اولیاء و مربیان.
- پیناتل، ژان، ۱۳۴۵، جرم شناسی، ترجمه ی رضا علومی، تهران، انتشارات امیر کبیر.
- حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۰۹ ق، تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، به تصحیح گروه پژوهش آل البیت علیهم السلام، جلد یکم، چاپ اول، قم، موسسه ی آل البیت علیهم السلام.
- دانش، تاج الزمان، ۱۳۸۴، مجرم کیست جرم شناسی چیست، چاپ دهم، تهران، انتشارات کیهان.
- رشادتی، جعفر، ۱۳۸۷، پیشگیری از جرم در قرآن کریم، بی جا، دفتر تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری ناجا.
- شامبیاتی، هوشنگ، ۱۳۸۳، بزهکاری اطفال و نوجوانان، چاپ دوازدهم، تهران، انتشارات مجد.
- شریف لاهیجی، محمد بن علی، ۱۳۷۳، تفسیر شریف لاهیجی، جلد سوم و چهارم، چاپ اول، تهران، دفتر نشر داد.
- شهیدی، سید جعفر، ۱۳۷۸، نهج البلاغه- ترجمه ی شهیدی، چاپ چهاردهم، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، جلد هفتم، چاپ سوم، تهران، انتشارات ناصر خسرو.
- عبد العزیز عبدالمجید، صالح عبدالعزیز، ۱۹۷۶م، التریبه و طرق التدریس، جلد اول، قاهره، دارالمعارف.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۱۰ ق، کتاب العین، به تصحیح مهدی مخزومی و ابراهیم سامرائی، جلد ششم، چاپ دوم، قم، نشر هجرت.
- قرائتی، محسن، ۱۳۸۳، تفسیر نور، جلد سوم، چاپ یازدهم، تهران، مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن.
- قرشی، سید علی اکبر، ۱۳۷۷، تفسیر احسن الحدیث، جلد دوم، چاپ سوم، تهران، بنیاد بعثت.
- کاشانی، ملا فتح الله، ۱۳۳۶، تفسیر منهج الصادقین فی الزام المنافقین، جلد چهارم، تهران، کتاب فروشی محمد حسن علمی.
- گسن، ریموند، ۱۳۸۵، جرم شناسی نظری، ترجمه ی مهدی کی نیا، چاپ دوم، تهران، انتشارات مجد.
- گلدوزیان، ایرج، ۱۳۸۸، بایسته های حقوق جزای عمومی (۱-۲-۳)، چاپ نهم، تهران، نشر میزان.
- لازرژ، کریستین، درآمدی بر سیاست جنایی، ۱۳۸۲، ترجمه علی حسین نجفی ابرند آبادی، چاپ اول، تهران، نشر میزان.
- محدث نوری، میرزا حسین، ۱۴۰۸ ق، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، جلد نهم، چاپ اول، لبنان، موسسه ی آل البیت علیهم السلام.
- مطهری بیدگلی، سید محسن، ۱۳۸۸، نقش عدالت اجتماعی در پیشگیری از جرم، چاپ اول، بی جا، انتشارات نور السجاد.



۹^{ام} کنفرانس بین المللی و ملی مطالعات مدیریت، حسابداری و حقوق ۲۹ و ۳۰ آذر ۱۴۰۲ | دانشگاه تهران

- مغنیه، محمد جواد، ۱۴۱۵ ق، شرح نهج البلاغه، جلد سوم، چاپ دوم، لبنان، موسسه ی آل البيت عليهم السلام.
- مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۴، تفسیر نمونه، جلد چهارم، چاپ اول، تهران، انتشارات دارالکتب الاسلامیه.
- موسوی همدانی، سید محمد باقر، ۱۳۷۴، ترجمه تفسیر المیزان، جلد چهارم و هشتم، چاپ پنجم، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه ی علمیه قم.
- نجفی توانا، علی، ۱۳۷۷، جرم شناسی، چاپ اول، تهران، نشر خیام.
- نوربها، رضا، ۱۳۸۰، زمینه ی جرم شناسی، چاپ دوم، تهران، کتابخانه گنج دانش.
- ولد، جرج، توماس برنارد و جفری اسنیپس، ۱۳۸۸، جرم شناسی نظری، ترجمه ی علی شجاعی، چاپ سوم، تهران، سازمان مطالعه و تدوین علوم انسانی دانشگاه ها.
- وینفری، توماس ال، ۱۳۸۸، نظریه های جرم شناسی، ترجمه ی سید رضا افتخاری، چاپ اول، گناباد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد گناباد.